

خبر

اجرای ارکستر سمفونیک تهران

ارکستر زهی ار کستر ملی ایران، پنجشنبه و جمعه ۲۳ و ۲۴ تیرماه ساعت ۲۱:۳۰ قطعات «دیورتیمنتو» اثر احمد پژمان، «دلنگی ها و برای آنان» اثر مهران روحانی را با رهبری نصیر حیدریان در تالار وحدت اجرا می کند.
مهر داد غلامی، سولیست فلوت این اجرای ارکستر سمفونیک است.
اور تور جیسیسی بارون با آهنگسازی یوهان اشتراوس، قطعه برای فلوت وارکستر با آهنگسازی حسین ناصحی و سمفونی شماره ۸ آنتون دوازک در سل مازور، اوس ۳، ۸۸قطعه‌ای است که توسط ار کستر سمفونیک نواخته خواهد شد.
حامد گارسچی، متولد تهران و دانش‌آموخته رهبری ار کستر در دانشگاه موسیقی شهر کلن آلمان است که در دوران تحصیل با ارکسترهای متعددی در آلمان، مجارستان و بلغارستان همکاری کرده است.
نمزدی در ریافت جایزه مسابقه رهبری ار کستر آلمان در سال ۲۰۱۷ و کسب مقام پنجم در مسابقه رهبری ار کستر آنتال دوراتی در کشور مجارستان، رهبری ار کستر جوانان و تسلا، رهبری ار کستر در فستیوال‌های خارجی دیگر سوايق گارسچی هستند.
وی همچنین در اپراهایی از جمله رینگلد، فخانث، کارمن، فلوت سحرآمیز و اپرای شهر کوپورک در ایالت بایرن به‌عنوان آکومپانیمان و رهبر همکاری کرده است.
همچنین ارکستر ملی ایران در نخستین اجرای تابستانی خود، آثاری از احمد پژمان و مهران روحانی را با رهبری نصیر حیدریان روی صحنه می برد.



اجرای ارکستر سمفونیک تهران در تالار وحدت

کنسرت
بازگشت آنسامیل سیریا
به بوشهر

آنسامیل موسیقی سیریا بعد از ۴سال از آغاز فعالیتش، ۲۳ تیرماه دوباره در بوشهر، زادگاهش روی صحنه می‌رود. به گزارش روابطعمومی آنسامیل سیریا، ماکان صغیری، تهیه‌کننده آنسامیل سیریا درباره این کنسرت گفت: نخستین اجرای آنسامیل موسیقی بوشهری سیریا در بوشهر برگزار شد و اسامیل با گذشت ۴سال از فعالیت گروه و کنسرت‌های متعدد در شهرهای ایران، بار دیگر این آنسامیل در بوشهر روی صحنه خواهد رفت. وی ادامه داد: در این کنسرت، آنسامیل سیریا قطعات آلبوم «میزدوتایی» و چند قطعه دیگری از جمله «بومونیه»، «بیچاره» و… را اجرا خواهد کرد. صغیری با اشاره به تعویق کنسرت سیریا در بندرعباس گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته قرار بود کنسرت سیریا ۱۹ تیرماه در بندرعباس برگزار شود که به احترام زلزله‌زدگان این استان، کنسرت‌مان را در تاریخ دیگری برگزار می‌کنیم. کنسرت آنسامیل سیریا با حضور بهروز شریفیان، امیرحسین مینایی، معین پاکباز، مهدی منفرد، فرشاد برنجی و مهدی ناصری به خوانندگی محمد لاریان ۲۳ تیرماه در ۲ سانس ۲۰:۳۰ و ۲۲:۳۰ در تالار لیان شهر بوشهر روی صحنه خواهد رفت. بلیت‌فروشی این کنسرت از دیروز (سه‌شنبه ۱۴ تیرماه) ساعت ۱۶ در سایت ایران کنسرت آغاز شده است.

فقهسه

«این ترک پارسی گوی» در کتابفروشی‌ها

کتاب «این ترک پارسی گوی» نوشته حسین منزوی، توسط بهروز منزوی و غلامرضا طریقی توسط انتشارات سوره مهر چاپ شد و به کتابفروشی‌ها آمد. در این کتاب، حسین منزوی به تحلیل و بررسی شعر شهباز پرداخته است؛ منزوی در این کتاب از شهباز به‌عنوان شاعر شیواایی و شیوایی یاد می‌کند

و شعر او را با عناوین مختلف از قبیل تذکره احوال، شعر شهباز، غزل شهباز، مکتب شهباز، هذیان دل و حیدربابا یا قلم شیوای خود نقد و بررسی می‌کند. حسین منزوی (زاده ۱ مهر ۱۳۲۵ – درگذشته ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳) شاعر ایرانی است. او که بیشتر به‌عنوان شاعری غزل سرا شناخته شده است، در سرون شعر نیمایی و شعر سپید هم تبحر داشت.نقش منزوی در زنده کردن غزل معاصر، چشمگیر ارزیابی شده است و حتی بعضی از منتقدان کار او را انقلابی در غزل امروز می‌دانند و آن را با کاری که نیماندر تحول شعر فارسی کرد، مقایسه کرده‌اند. او در ترانه‌سرایی هم توانا بود و آلبوم نسیما به خوانندگی افتخاری از سروده‌های او است. کتاب «این ترک پارسی گوی» توسط بهروز منزوی، برادر حسین منزوی و غلامرضا طریقی تصحیح شده و توسط انتشارات سوره مهر در ۲۴صفحه در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. علاوه بر عناوینی که به آن اشاره شد، موضوعات دیگری مثل مثنوی افسانه شب،شعرهای آزاد (نیمایی) شهباز، جان شعر شهباز و تیلورش در قالب‌های دیگر، شهباز شاعر مسلمان، شعر شهباز بخشی از فرهنگ هنر معاصر، شهباز و مفتون هم در این کتاب به آن پرداخته شده است.

فرهنگ



بازنوازی جاودانه‌های موسیقی ایران

گفت و گو با میلاد کیایی، موسیقی‌دان، همزمان با انتشار آخرین آلبوم

میلاد کیایی موسیقی‌دان، نوازنده سنتور و آهنگساز پیشکسوت کشور مان ۷۰ سال عمر خود را صرف ترویج موسیقی اصیل ایرانی کرده و با تربیت شاگردان بسیار و انتشار آثاری جاودان، نقش مهمی در موسیقی ایرانی ایفا کرده است. عضویت در هیات امنای فرهنگ صونای ایران، اجرای کنسرت‌های بسیار در داخل و خارج از کشور، ابداعاتی در زمینه کوک سنتور، انتشار آلبوم‌های مختلف و ساخت موسیقی فیلم و انتشار کتاب «راز آشکارا» بر خی از کارنامه هنری او است.
میلاد کیایی در سن ۷۷ سالگی در همکاری با بابک شهرکی، نوازنده ویلن و عمران فروزش، نوازنده تنبک آلبومی را متشکل از بازنوازی ۱۲قطعه موسیقی ماندگار استادان برجسته موسیقی ایران با عنوان «در عشق زندگی یابد» همزمان با سالوز تولد همایون خرم منتشر کرده است.

شاگردان بسیار و انتشار آثاری جاودان، نقش مهمی در موسیقی ایرانی ایفا کرده است. عضویت در هیات امنای فرهنگ صونای ایران، اجرای کنسرت‌های بسیار در داخل و خارج از کشور، ابداعاتی در زمینه کوک سنتور، انتشار آلبوم‌های مختلف و ساخت موسیقی فیلم و انتشار کتاب «راز آشکارا» بر خی از کارنامه هنری او است.
میلاد کیایی در سن ۷۷ سالگی در همکاری با بابک شهرکی، نوازنده ویلن و عمران فروزش، نوازنده تنبک آلبومی را متشکل از بازنوازی ۱۲قطعه موسیقی ماندگار استادان برجسته موسیقی ایران با عنوان «در عشق زندگی یابد» همزمان با سالوز تولد همایون خرم منتشر کرده است.

و تنبک اجرا کنیم به همین خاطر هم اسم آلبوم را «در عشق زنده یابد» گذاشته‌ایم چون تمام قطعات عاشقانه هستند.
البته در این مجموعه دست به یک ابتکاری هم زدیم و در لابه‌لای هر یک از قطعات یک یا دو بیت شعر عاشقانه هم دکلمه کردم که یک تنوعی در کار صورت گرفته باشد. ما با این کار و نیز انتخاب آثار این آهنگسازان سعی کردیم هر نوع سلیقه‌ای را در نظر بگیریم به طوری که هم افراد مسن، هم جوانان، هم میناسالان و هم کودکان و نوجوانان و همه اقتدار جامعه‌از فرهنگ را در کار، استاد دانشگاه،استاد موسیقی بتوانند این آلبوم را بشنوند و به دل آنها بنشیند.
با توجه به مواردی که مطرح کردید چه دلایلی را در نظر گرفتید که این آلبوم می‌تواند مخاطبان گسترده‌ای داشته‌باشد؟
از انقلاب اسلامی ۴۴ سال گذشته و تا به امروز بیش از ۳۰هزار آهنگ هم ساخته شده است که البته کارهای خوب هم توسط استادان خوبی با تکنیک و باارزش ساخته شده‌اند اما همیشه این سؤال برآیم مطرح است

بایک شهر کی، آهنگساز و نوازنده ویلن که صدای سازش خاطره‌ساز نواهای استاد همایون خرم بود هست، نخستین اثرش را با عنوان «مهرگان» در ۴سالگی منتشر کرده و از همان زمان تانکون علاوه پر انتشار آثار صوتی متعدد، ارکسترهای خرم و ارکستر ملی فرهنگسرای بهمن را نیز پایه‌گذاری کرده است. او که از استاد همایون خرم لقب فرزند هنری و نوه هنری استاد صبا را گرفته این روزها با نوا وی ویلن خود در کنار میلاد کیایی، نوازنده پیشکسوت سنتور و عمران فروزش، نوازنده تنبک باز هم خاطره‌ساز نواهای ماندگار موسیقی ایرانی شده است.

انتخاب آهنگسازان و آثارشان برای اجرا در آلبوم «در عشق زنده یابد» بر چه اساسی صورت گرفته است؟
این انتخاب بر این اساس بوده که بتواند سلیاقی مختلف را در جامعه تا حدودی تحت پوشش قرار دهد. ما سعی کردیم برای در نظر گرفتن سلیقه‌های متعدد تنوعی در انتخاب آهنگ‌ها داشته باشیم.برای انتخاب آهنگسازان نیز قطعا رویکرمان این بوده که آثاری از آهنگسازانی در این مجموعه اجرا شود که هم آثار جاودانه‌ای دارند و هم اینکه از شأنیت بالای برخوردارند چرا که دغدغه ما این است که موسیقی خوب را معرفی کنیم و موسیقی خوب هم توسط آهنگساز خوب ساخته شده و مردم شنیده‌اند و این خودش یک فرهنگسازی است که مردم آهنگسازانشان را بشناسند. شاید برخی از این آهنگسازان خیلی اسم‌شان کمتر در این روز و روزگار مخصوصا بین قشر جوان مان شنیده شود بنابراین معرفی آثارشان می‌تواند باعث شود اسم این عزیزان سر زبان‌ها بیفتد.

بیشتر آثار در گذشته به‌صورت ارکسترال اجرا شده‌اند. رویکردتان برای برگردان به سه‌نوازی چه بوده است؟
یکی از اشتراکات این قطعات تم محور بودنشان است؛ یعنی ارکسترآسیون شان نیوده که باعث شده این قطعات گیرا و جذاب شوند بلکه هر کدام از این قطعات تم‌های زیبایی داشتند و شاید مشخصه کلی‌شان این است که همه‌شان قابل زمزمه کردن هستند و مردم با هر کدام از اینها خاطراتی را دارند که در حافظه شنیداری‌شان ثبت شده و لزوماً اینکه تطبیق ارکسترال شده‌اند دلنلی بر این نیست که ما از این قطعات استفاده نکنیم.بازنوازی حتی با یک‌ساز هم می‌تواند خیلی جذاب باشد.

که چرا ما هر جادوره‌می از نسل‌های فعلی حتی نسل چهارم می‌بینیم آهنگ‌های زمان ما را اجرا می‌کنند؟
و چرا یک‌بار هم نشده که آهنگ‌های زمان خودشان را اجرا کنند؟این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در این چندین سال کارهای خوبی هم ساخته شده است. بنابراین این خود جای بحث دارد که چطور آن آثار که برخی را کلامی ندار چ که آنقدر آثارش پیام و حرف پیدا کردند؟!البته که دلایل زیادی دارد. درست است که قطعات باارزشی ساخته شده است اما جای بحث دارد که چرا ماندگار نشده‌اند.

می‌دانم برای این پرسش‌ها جواب‌های زیادی وجود دارد که من از آنها می‌گذرم. اما می‌دانم در روزگار بنده، موسیقی بوی عشق می‌داد و شاعر می‌دانست چه می‌گوید. آهنگساز هم می‌دانست که چه خواننده‌ای یا چه ارکستری می‌خواهد قطعه مورد نظر خود را بخواند و بنواز. در حالی که امروزه بسیاری از آهنگسازان ما نمی‌دانند آهنگشان را چه خواننده‌ای می‌خواهد بخواند یا بنواز.با در نظر گرفتن این موارد ما نیز سعی کردیم گلچینی از آن آهنگ‌ها و بزرگان آهنگساز تکرار ناپذیر قبل از انقلاب که واقعا جاودانه شده‌اند، داشته باشیم و با هنر مندی بابک شهرکی که پنجه جادویی دارند و آقای عمران فروزش، نوازنده تنبک این آثار را که بیشتر جنبه بداهه دارد را در این آلبوم بنوازیم.

کتاب «راز آشکارا» که خاطرات نیم‌قرن فعالیت هنری شماست به چاپ هفتم رسیده است.دوگویی در دست انتشار دارید؟
بله کتاب راز آشکارا سه چاپ هفتم رسید. متأسفانه ۸۳صفحه از این کتاب در زمان نخستین نشرش حذف شد که من در کتاب جدیدی که مشغول نگارشش هستم با عنوان «دل به دریا زن دم نزدن می‌خواهد» بخش‌های حذفی کتاب «راز آشکارا» را گنجانده‌ام که بخشی از خاطرات هنری ۷۰ ساله من است که امیدوارم سال آینده منتشر شود.

کتاب «راز آشکارا» که خاطرات نیم‌قرن فعالیت هنری شماست به چاپ هفتم رسیده است.دوگویی در دست انتشار دارید؟
بله کتاب راز آشکارا سه چاپ هفتم رسید. متأسفانه ۸۳صفحه از این کتاب در زمان نخستین نشرش حذف شد که من در کتاب جدیدی که مشغول نگارشش هستم با عنوان «دل به دریا زن دم نزدن می‌خواهد» بخش‌های حذفی کتاب «راز آشکارا» را گنجانده‌ام که بخشی از خاطرات هنری ۷۰ ساله من است که امیدوارم سال آینده منتشر شود.

ک مجموعه بی‌کلام است. در واقع تجربه یک عمر

گفت و گو با بابک شهر کی؛ آهنگساز

ملودی‌های تکرار ناپذیر ایرانی

موسیقی کلاسیک جهانی همیشه وجود داشته وهمچنان هم که می‌بینم آثار بزرگان کلاسیک تکرار می‌شود.البته این موضوع تبدیل به یک معضل جهانی شده که کارهای گذشته از فخر و تکنیک بالاتر و عمق بیشتری برخوردار هستند و ما هر چه به سمت جامعه صنعتی رفتیم؛ می‌بینیم که از هنر کاسته شده و شاید به زور آلات اضافه شده و در بسیاری موارد پیشرفت تکنولوژی حتی توانسته کمک‌هایی به موسیقی کند.به‌طوری‌که کیفیت ضبط سازها بهتر شده ونوع الکترونیک موسیقی خیلی پیشرفت کرده است که البته همه می‌دانند نوع الکترونیک موسیقی چیزی نیست که هنر ناب باشد و خیلی خیلی فاصله داریم با آن چیزی که به‌عنوان هنر ناب مثلا در موسیقی کلاسیک جهانی سراغ داریم. در موسیقی ایرانی ما همین اتفاق افتاده و آثار بزرگان ما متأسفانه در شرایط فعلی جامعه ما تکرار ناپذیر است. ما در سال‌های گذشته به موسیقی تقایی مهری کردیم و موسیقی را فقط به‌عنوان یک ابزار نگاه کردیم. فقط برای اینکه کارمان پیش برود و اصلا فکر نکردیم به اینکه موسیقی در جامعه یک عامل فرهنگ‌ساز بزرگ است، و الان متأسفانه می‌بینم که موسیقی‌های مبتذل (هر چند موسیقی به تنهایی در خودش ابتدال ندارد اما وقتی با شعر مبتذل همراه می‌شود محصول یک محصول مبتذل است) و آن موسیقی‌هایی که جوانان مان متأسفانه به آن گرایش دارند نه تنها از نقای فرهنگی نمی‌دهد بلکه در اغلب موارد ما را دچار ابتذل فرهنگی می‌کند.ای کاش مسئولین ما بلداند موسیقی چقدر مهم است (هر چند موسیقی به تنهایی در خودش جامعه باشد! اما مصدر صد به تکرار آثار بزرگان موسیقی نیاز داریم وشاید در همین تکرارها بعضی از جوانان متوجه بشوند که چه موسیقی‌های خوبی هم وجود دارد. در سال‌های گذشته دیده‌ایم بعضی از بازخوانی‌هایی که انجام شده به هیچ عنوان مربوط به سن جوانان نبوده و ولی در دل جوان‌ها جایز کرده وهمین نوید بخش اتفاق خوبی است.

آیا محدودیت‌هایی برای اجرایشان در قالب سه‌نوازی وجود داشته است؟
سلاز تنبک اصولاً محدودیتی ندارد و با تمام ریتم‌های رایج موسیقی ما می‌تواند اجرا کند.ویلن‌ساز جهانی است حتی با یک کوک استاندارد می‌تواند از تمام ظرایف هر نوع سبک موسیقی کاملاً بر بیاید چون محدودیتی از بابت ریوع برده‌ها ندارد و در هر هنگی ثابت شده است که وقتی ویلن وارد می‌شود می‌تواند به خوبی سازهای همان فرهنگ و همان منطقه در کنارشان قرار گیرند. همانطور که در ایران می‌بینیم که نقش ویلن ایرانی در زمان‌های مختلف از نقش خیلی از سازهای دیگر ایرانی حتی پر رنگ‌تر بوده است. محدودیتی که‌ساز سنتور دارد به‌خاطر ۷۲بیمبمی است که دارد.این سیم‌ها باید ۴ تا ۴با یک‌جور کوک شوند و طبیعتاً ما یک تعدادی بیشتر نت نخواهیم داشت وامکان مدلاسیون در هر گامی به گامی دیگر به سادگی میسر نیست.

ترکیب‌سازی (سنتور و ویلن و تنبک) بر چه اساسی بوده است؟
این ترکیبی است که بعد از انقلاب تکرار نشده است به‌دلیل اینکه نسبت به‌ساز ویلن خیلی بی مهری شده.مخصوصا ویلن به سبک ایرانی. در مورد‌ساز تنبک صحبت نمی‌کنم چون این‌ساز به‌عنوان ساز ریتمیک در همه سبک‌های رایج و غیررایج موسیقی ایران همیشه نقش پررنگ داشته ونخستین‌ساز ضربی ماست که می‌تواند با هر نوع موسیقی و هر سبکی همراهی کند.در باره‌ساز سنتور من افتخار این را داشتم در طول فعالیت موسیقایی‌ام با آالسنتاد برجسته سنتور

فضل‌الله توکل و میلاد کیایی هم‌نوازی داشته باشیم. در هم‌نوازی ویلن و سنتور یک محدودیت‌هایی وجود دارد ولی حلاوت و شیرینی خاص خودش را دار د. به نوعی هم‌نوازی ویلن و سنتور یک چیزی بین هم‌نوازی ویلن با تار و هم‌نوازی ویلن با پیانو است. چون سنتورنواز خوب و متبحر می‌تواند هم مثل تار یک جاهایی ملودی‌ها را شیرین‌تر بزند و هم یک جاهایی همراهی را به زیبایی پیانو انجام دهد.

لزوم یازسازی آثار گذشتگان در شرایط کنونی چیست؟
در هر فرهنگی کارهای ماندگار گذشته تکرار می‌شود. این مسئله در

همیشه‌ری

یادداشت

احسان زیور عالم؛ روزنامه‌نگار

نگاهی به نمایش «گردن»

در جست‌وجوی فرم‌های به چشم نیامده

چندی پیش در گفت‌وگو با یکی از کارگردانان خوش‌نام درباره نقد تئاتر، او از نگاه متصلب ناقدان به محتوا و مضمون‌های آثار روی صحنه انتقاد کرد و گفت ناقدان کمتر درباره خود اثر حرف می‌زنند. آنان بیش از اینکه درباره عملکرد یک اجرا سخن بگویند، بخشی از مضمون بازتاب‌دهنده را بسط می‌دهند. برای باز کردن منظور این نقد می‌توان مثال ساده‌ای زد. برای مثال در تالار مولوی نمایشی با عنوان «گردن» به کارگردانی آرمن حمدی پور روی صحنه است که داستانش اقتباسی از «خدای کشتار» یاسمینا رضااست. داستانش نمایش نیز روایتگر نزاع کودک در مدرسه است که بدون حضور آنها زاعشان به رابطه میان والدینشان کشیده می‌شود و رابطه دوستانه ظاهری آنان به رابطه خصمانه واقعی‌ای بدل و در نهایت منجر به فروپاشی پیوند زناشویی می‌شود. طبق بحثی که در ابتدایبان کردم، عموماً ناقدان درباره این سخن می‌گویند که یاسمینا رضا قصد گفتن چه داشته است یا حمدی پور به چه میزان توانسته است مفاهیم مندرج در نمایشنامه رضا را اقتباس کند. بر خی هم احتمالاً با چشم‌اندازهای فرویدی یا لکانی به نقد روانکاوانه می‌پردازند و اینکه چگونه کودکی سر کوپ شده، به زنجیرهای طولانی در سر کوپ کودکی‌های آن می‌شود و نمایش «گردن» نیز به‌نوعی در حال نشان دادن آن است. اگرچه برای تماشاگر این نمایش این وجه روانکاوانه اظهر من الشمس است اما بی شک برای ناقدان این مسئله می‌تواند زمینه‌ای جذاب برای نوشتن باشد. اما قصد دارم طبق توصیه دوست کارگردانم درباره خود اثر حرف بزنم. درباره چیزی درون اثر که مشخصاً از آن حمدی پور است. نه ربطی به داستانش دارد و نه ربطی به یاسمینا رضا بلکه دقیقاً بر تبط به چیزی است که ما آن را میزانسن می‌نامیم و من آن را به اختصار «دانش دانستن قرار دادن هر چیزی روی صحنه» توصیف می‌کنم.مخاطب نمایش «گردن» حین تماشای نمایش با فرمی از حضور بازیگر روی صحنه مواجه می‌شود که کمی ناشنا و البته نامنتظره است. حتی ممکن است گروه ارتهم به رویه‌هایی چون نمایشنامه‌خوانی کند؛ به حداقل رساندن کتبخ، استسقرار بازیگرها در نقاطی که به هیچ‌عنوان مکان را معرفی نمی‌کند و حتی ارتباط چشمی میان بازیگران را از میان برمی‌دارد. البته می‌شود فهمید قصد حمدی پور از چنین میزانسنی چه بوده است. جدا کردن مخاطب از هم و معانعت از روهریزی آنان به مخاطب و باز یزگی اجزاء و هم‌دهد تست به یک ارزشی سوادش از شخصیت‌ها داشته باشد. برخلاف متن رضا که توصیف وضعیت را در درهم‌تبدیگی شخصیت‌ها می‌بیند، حمدی پور مسیر تجزیه را دنبال می‌کند؛ هر چند در نهایت این بهر شخصیت‌ها منجر به یک ترکیب می‌شود. اما نیز وضعیت میزانسنی مرا به یاد یک مفهوم جذاب در ریاضیات می‌اندازد که می‌تواند حتی به کلیت میزانسن در تئاتر نیز بسط توسعه یابد. ماتریس (Matrix) آرایشی مستطیلی شکل از اعداد است که به‌صورت سطر و ستون در میان ۳کروشه نگاشته می‌شود. کاربرد ماتریس در ریاضی و فیزیک گسترده است؛ ابزار جذابی است برای محاسبات و البته در نظام برداری و توصیف موقعیت یک جزء عددی در یک مجموعه. امیدوارم این خواندن این مطلب کنجکاو شوید و تصویر ماتریس را در اینترنت جست‌وجو کنید. ببینید آرایش اعداد در یک ماتریس به چه نحوی است. اعدادی که به‌صورت ستون و سطر در کروشه‌ها قرار گرفته‌اند از یک نظم دقیق برای ایجاد فرصت محاسبه بهره‌مند شده‌اند، چه وضعیت میزانسنی را در گروه ریاضیاتی دارند. نمایش حمدی پور نیز چنین تصویری را تداعی می‌کند.

نمایش از هستون و ۳مسطر تشکیل شده است. هر بازیگر یکی از ستون‌های این ماتریس ۴در۴ است. هر سطر نیز بازنمایی از یک موقعیت مکانی یا تقدم زمانی است. هر بازبازیگران به تماشاگران نزدیک می‌شوند می‌دانیم قرار است وارد دیالوگ شوند و وقتی به انتهای صحنه می‌روند به‌معنای خروج یا عدم‌حضور روی صحنه است. پس اساساً موقعیت هر بازیگر در هر درایه می‌تواند حامل یک معنا باشد. درایه به جایگاه هر عدد در ماتریس گفته می‌شود؛ به‌عبارتی محل قرار گرفتن عدد در هر سطر و ستون. در ماتریس هر درایه اعتبار خاص خود دارد؛ برای مثال اعدادی که در قطر اصلی ماتریس قرار می‌گیرند به‌مراتب مهم‌تر از اعداد دیگری در این چیزی است که از میزانسن نمایش «گردن» به‌خوبی درک می‌شود.

تفکیک بازیگران در یک ماتریس به ما این اجازه را می‌دهد که ما او را جداگانه ارزیابی کنیم. تحلیل دقیق از شخصیت‌پردازی می‌تواند به ما کمک کند موقعیت‌های میزانسنی یک شخصیت روی صحنه را به خوبی انتخاب کنیم. چیزی که در کارگردانی حمدی پور در ک‌ب‌پذیر است. قصد ندارم جزئیات اجرا را باز کنم. تقدم آن است از چشم‌اندازی تازه به دنیای تئاتر نگاه کنیم اما برای مثال شخصیت‌های واجد نوعی راز که عموماً ۲امدار نمایش از آن تبعیت می‌کنند، به گوشه‌های صحنه انتقال شده می‌شوند و در زمان بازتاب رازها نشان تا جای ممکن به تماشاگر نزدیک می‌شوند؛ یعنی در سطر نخست ماتریس اجرا قرار می‌گیرند اما در گوشه‌ها که درایه‌های اولیه قطر‌های اصلی و فرعی ماتریس به‌حساب می‌آیند. اهمیت این جایگاه در محاسبات است. درایه‌های اصلی که این بازیگران اشغال می‌کنند بدل به کلیدی‌هایی برای حل معمای روابط و گذشته شخصیت‌ها و البته فهم‌بهتری از آنچه بر سر بچه‌ها آمده است می‌شود.

ماتریس‌ها در ظاهر ساده و باطن پیچیده‌اند. در دنیای رایانه‌ها ماتریس‌ها و چینش‌هایشان می‌توانند جهان داده‌ها را بازتعریف کنند. ق‌سار گرفتن ه‌سر داده روی حافظه رایانه‌سا برمیانی ماتریس‌هاست تا نظامی منطقی از چینش‌ها را پدید آورد. ماتریس‌های تئاتری به پیچیدگی ماتریس‌های رایانه‌ای نیست اما می‌توانیم با مطالعه ماتریس وار میزانسن به درک بهتری از میزانسن برسیم. حتی می‌توان مفاهیم ریاضیاتی ماتریس به‌عمودی صورت می‌گیرد چشم‌انداز مینیمالی ارائه می‌دهد از اینکه در این ماتریس معادلات به راحتی از بین نمی‌رود. حتی حضور کرزی مدیر مهد کودک- شخصیتی که در متن یاسمینا رضانیست و همواره در میانه‌است-مهم‌ترین درایه یک ماتریس که همیشه در محاسبات حضور چشمگیر دارد و گویی او کلید حل همه داستان است.